

بررسی تحلیلی مراسم سوگواری امام حسین (ع) از منظر سفرنامه‌های اروپایی عصر صفوی و تاثیر آن در پیروزی انقلاب اسلامی ایران

رمضان رضایی*

محمدشورمیچ**

چکیده

تاریخ صفویه در ترویج سنتهای اعتقادی شیعه به ویژه سوگواری امام حسین (ع) تاثیر بسیاری داشته است، با توجه به سیاست مذهبی حکومت، مراسم سوگواری امام حسین (ع) بسیار با شکوه و آزادانه برگزار می‌گردید. هدف اصلی پژوهش، بازشناسی این مراسم از نگاه ناظران اروپایی و در نتیجه تاثیر آن در انقلاب اسلامی است. لذا مسئله اصلی این است که مراسم سوگواری امام حسین (ع) در سفرنامه‌های اروپایی عصر صفوی چگونه انعکاس یافته و دیدگاه آنها چه بوده است؟ و تاثیر آن در انقلاب ما چه بوده است؟ در پی آن، این فرضیه طرح می‌گردد که سیاحت اروپایی به اهمیت و عظمت مراسم سوگواری محرم در نزد ایرانیان اشاره داشته و گزارش‌های آن‌ها در این زمینه ترکیبی از اخبار صحیح و نادرست است. با بررسی سفرنامه‌های اروپاییان عصر صفوی می‌توان نتیجه گرفت گاه روح الحادی و مادیگرانه آنان نیز هست که مراسم سوگواری امام حسین (ع) در عصر صفوی با حمایت دولت صفوی رشد و توسعه یافت و در عین حال با رسوم غیر مذهبی و خرافی نیز آمیخته گردید و به مرور شکل مذهبی گرفت. ایجاد همبستگی و استمرار فرهنگ دینی، وفاق اجتماعی، جامعه پذیری و بازبانی هویت دینی از کارکردهای مهم این مراسم می‌باشد.

*. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه تهران

rezayi@ut.ac.ir

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور

m.shoormeij9@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: 97/5/1

واژگان کلیدی

مراسم سوگواری، امام حسین علیه السلام، صفویه، سیاحان اروپاییها، تعزیه عاشور و دگرگونی‌های ایران.

مقدمه

با رسمیت یافتن مذهب تشیع در دوره صفوی، برگزاری مراسم مذهبی از جمله عزاداری ماه محرم برای امام حسین علیه السلام و یارانش، یکی از راه‌های گسترش اندیشه شیعی در ایران بوده و هست. به همین جهت در دوره صفویه آیین سوگواری حسینی با شدت و جدت هر چه تمام‌تر برگزار می‌گردید.

هدف اصلی پژوهش مذکور، بررسی و تحلیل بازتاب مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در هشت سفرنامه اروپایی عصر صفوی یعنی فیگوتروا، دلاواله، اولناریوس، تاورنیه، کمپفر، جملی کاری، کاتف و شاردن است. و در پایان نتیجه آن در زمان ما و انقلاب شکوهمند حضرت امام خمینی علیه السلام

از آن جای که بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، همواره برگزاری عزاداری حسینی، مورد توجه شیعیان بود ولی به دلیل سلطه خلفای سنی مذهب اموی و عباسی و حکام وابسته به آن‌ها، انجام این مراسم با مشکلاتی مواجه می‌شد. در دوره کوتاه مدت آل بویه، فرصتی برای اجرای این مراسم فراهم شد اما با تضعیف و سقوط آن‌ها، دوباره مشکلات زیاد شد تا اینکه حکومت صفویه، شرایط را برای اجرای مراسم سوگواری فراهم کرد.

سیاحان و هیئت‌های خارجی که در عصر صفویه به ایران آمدند، به این مراسم توجه داشته و دیدگاه‌های خود را درباره آن ارائه داده‌اند. لذا مسئله اصلی پژوهش این است که نگاه هشت سفرنامه‌نویس مذکور نسبت به مراسم عزاداری حسینی ایرانیان در ماه محرم چگونه بوده و به چه شکلی آن را انعکاس داده‌اند؟ و امام خمینی چگونه در انقلاب حسینی‌اش مطرح فرمودند؟

در پی این سؤال، این فرضیه طرح می‌گردد که آیین سوگواری حسینی از منظر سیاحان اروپایی پوشیده نمانده و گزارش‌های آنها با آمیزه‌ای از روایات صحیح و نادرست همراه بوده است و سیاحان اروپایی به ارزش معنوی، اجتماعی و سیاسی این آیین در نزد ایرانیان اعتراف نموده‌اند. در پژوهش مذکور با روش توصیفی و تحلیلی و با کمک داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی سؤالات و فرضیه اصلی پژوهش پرداخته می‌شود.

1. پیشینه تحقیق

در زمینه پیشینه تحقیق باید گفت مقالات و کتب متعددی در زمینه مراسم مذهبی در

ایران به نگارش درآمده است که در راستای آن از مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام نیز بحث نموده‌اند. آقای مهدی نجف‌زاده در مقاله «صورت‌بندی مذهبی - سیاسی جامعه ایرانی در عصر صفویه» (فصلنامه سیاست، ش 1، 1389)، از مراسم مذهبی از جمله محرم به شکل منسجم بحث‌های خوبی ارائه داده‌اند. محمد علی پرغو و صدیقه غلامزاده در مقاله «عزاداری محرم در عهد صفوی، یک بررسی آسیب شناختی» (فصلنامه تاریخ اسلام باقرالعلوم قم، ش 3، 1394)، به بررسی مراسم مذهبی محرم در عصر صفوی با توجه به متون ادبی و دینی پرداخته و تحریفات و آسیب‌های اجتماعی آن را به شکل کلی و توصیفی مورد بررسی قرار داده است. رسول جعفریان در مقاله «سوگواری محرم در سفرنامه‌های خارجی» (مجله نور، ش 40، 1370)، به صورت کلی از سفرنامه‌های خارجی دوران مختلف درباره محرم بحث نموده‌اند. آقای اصغر فروغی ابری در مقاله «کارکرد مراسم سوگواری عاشورا در رسمی شدن مذهب شیعه در زمان صفوی» (مشکوه، ش 81، 1383)، از تأثیرات این مراسم در رسمی شدن مذهب اشاره نموده‌اند. علاوه بر آن کتاب‌های نیز در زمینه مراسم مذهبی در عصر صفوی نوشته شده است. محمد علی رنجبر در کتاب مراسم مذهبی در ایران عصر صفوی (نشرکوشامهر شیراز، 1390) و اصغر حیدری در کتاب جلوه‌های عزاداری امام حسین علیه السلام در ایران با تکیه بر دوره صفویه (نشر مطالعات تاریخ معاصر، 1391)، به صورت کلی از مراسم مذهبی از جمله محرم یاد نموده‌اند. با توجه به پیشینه تحقیق، نویسنده در این پژوهش به صورت موردی و فقط با تکیه به گزارشات هشت سفرنامه خارجی عصر صفوی، به بررسی توصیفی، تحلیلی و جامعه شناختی مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام در عصر صفوی پرداخته است.

2. پیشینه مراسم سوگواری به عنوان نماد ملی و مذهبی

مراسم سوگواری و تعزیه، در ایران پیش از اسلام، ریشه در مراسم سوگواری سیاوش پسر کیکاووس کیانی دارد که به مکر همسرش سودابه و بدست افراسیاب، در عین پاکی و راستی کشته شد (آژند، 19).

سیاوش در اساطیر و باور ایرانی مظهر پاکی و صداقت است که از آتش و آب و جان می‌گذرد تا صداقت پایدار بماند و حقیقت بر دروغ چیره شود (بلوکباشی، 147). آیین سیاوش‌خانی به صورت تعزیه اجرا می‌شد و شباهت‌های بسیاری میان این آیین و مراسم واقعه کربلا بود. از جمله اینکه هر دو خواص بودند، کنار آب شهید شدند، در مقابل دروغ ایستادند و مظهر مظلومیت هستند (همو: 30).

برگزاری مراسم خاطره شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا، به صورت رسمی از دوره آل‌بویه و زمان فرمانروایی احمد معزالدوله بویهی شکل گرفت.

معزالدوله در سال 352 هـ ق دستور داد، مراسم عزاداری در دهه اول محرم به صورت علنی برگزار شود (ابن اثیر/5، 2258). در روز عاشورا، تمام بازارها بسته می‌شد و لباس سیاه و عزا می‌پوشیدند و برای امام حسین علیه السلام گریه و زاری می‌کردند. از سال 352 هـ ق تا اواخر حکومت آل بویه در بیشتر سال‌ها، مراسم روز عاشورا برپا می‌شد (فقیهی، 30 - 31؛ کبیر، 339).

البته مراسم سوگواری در میان دیلمان به خصوص زنان آن‌ها، ریشه قدیمی دارد و این مسئله در کنار سیاست دینی معزالدوله، در برپای سوگواری امام حسین علیه السلام تأثیرگذار بوده است. از رسوم سنتی عزاداری مردم دیلم این بود، زنان با موی پریشان و چهره سیاه کرده از خانه‌هایشان خارج می‌شدند و بر سر و صورت خود می‌کوفتند و جامه به تن می‌دریدند و در عزا به خصوص عزای حسینی شرکت می‌کردند (کبیر، 339).

در هر صورت برگزاری آیین سوگواری ماه محرم با سقوط حاکمیت آل بویه، چند قرن با مشکلاتی همراه شد و حتی به صورت مخفی برگزار می‌گردید تا اینکه در دوره صفویه، دوباره با رسمی شدن تشیع، رشد یافت و به اوج شکوفایی خود رسید.

3. بازتاب مراسم عزاداری حسینی در هشت سفرنامه عصر صفوی

3-1. مراسم عزاداری حسینی در سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوروا
فیگوروا سفیردولت اسپانیا در ایران، در زمستان (1619م / 1208ق) شاهد عزاداری ایرانیان برای امام حسین علیه السلام بود. فیگوروا در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «... خانه محل اقامت سفیر کاملاً نزدیک مسجد بزرگ اصفهان بود. این موقعیت به ما امکان می‌داد که شاهد تشریفات مجالس و عظ و عزاداری باشیم...» (فیگوروا، 307). فیگوروا در ادامه اشاره دارد که موعظه‌گران مجالس سوگواری، ملا (علمای دینی) هستند که در زمینه شهادت امام حسین علیه السلام با حرارت تمام برای مردم سخن می‌گویند (همو، 307 - 308).

وی از حضور همه طبقات جامعه در مراسم عاشورا، به خصوص حضور زنان از اقشار مختلف بالا تا پایین جامعه و حتی زنان بدکاره یاد می‌کند (همو، 307-308). وی در ادامه می‌نویسد: «در پایان گریه‌زاری‌ها و ختم مجلس، فقیهی آراسته و مقدس با چهره‌ای در هم و اندوه بر در مسجدی ایستاده تا هدایایی از کسانی که در مجالس عزا شرکت کرده بودند، دریافت کند، به خصوص زنان هر یک به زار همت و متناسب با قدس و تقوای خویش برخی مبلغی پول و بعضی طاقه‌ای پارچه یا قبا یا لباده به وی می‌دادند، ...» (همان جا).

روایت عینی فیگوروا بیانگر این است که وعاظ در قبال موعظه خود، پول یا

کالای دریافت می‌کردند که بیشتر از دوره صفویه مرسوم گردید و تا به امروز به صورت معقول‌تری ادامه دارد.

فیگوئروا آخرین روز عزاداری، «روز عاشورا» را به تفضیل شرح می‌دهد، هرچند برخی از گزارش‌های عینی او در این روز قابل تعمق است و باید با دید احتیاط نگریت. وی در این مورد می‌نویسد: «در آخرین روز عزاداری همه مردم خرده پای شهر در حالی که پرهایی بر عمامه خود زده‌اند با طبل و سنج و سلاح در دست، گرد می‌آیند و دسته دسته در محله‌ها و میدان‌های عمومی شهر حرکت می‌کنند. در این گونه روزها اتفاق می‌افتد، اجتماع کنندگان باهم برخورد بپردازند و همدیگر را بکشند. این مرگ را به سبب آنکه در روز شهادت حسین علیه السلام اتفاق افتاده است، به فال نیک می‌گیرند» (همو، 311). این روایت فیگوئروا تا حدی قابل قبول است ولی اینکه با همدیگر در حد کشتار زد و خورد داشتند را نمی‌توان پذیرفت و اغراق‌آمیز است.

فیگوئروا در ادامه بحث، گزارشاتی از مراسم روز عاشورا اصفهان ارائه می‌دهد که اغراق و شاید تحقیرآمیز است و چندان قابل قبول نیست (ر.ک. همو، 311 - 313) و در هیچ یک از منابع داخلی و سفرنامه‌های خارجی این دوره، دیده نمی‌شود. فیگوئروا گزارشات عینی‌اش را این‌گونه ادامه می‌دهد: «در آخرین روز (عاشورا) ما شاهد وقایع آن بودیم، گروه کثیری با خمی بی‌سابقه با یکدیگر زد و خورد پرداختند، دسته جمعی به خارج شهر و به سوی محوطه‌های کنار رودخانه که برای قربانی بود ... هجوم آوردند، به بدن شتر نیزه زدند و ... بخاطر ازدحام عده‌ای کشته و زخمی شدند، افراد قطعه شتر را بر نوک شمشیر قرار داده و در شهر به راه می‌افتادند» (همو، 311 - 312). اما بعید است، عزاداران ایرانی گوشت قربانی را بر نوک شمشیر قرار دهند و در شهر بگردانند، احتمالاً فیگوئروا با مراسم دیگری اشتباه گرفته یا شاید قصد تحقیر مسلمانان را داشته است. هر چند خودش اعتراف می‌کند، این مراسم به جز اصفهان در جای دیگر رایج نیست و عمل قدیمی است و ریشه آن را به اعراب جاهلیت نسبت می‌دهد (همو، 314).

همچنین در روز عاشورا، از عزاداری گروهی دیگر یاد می‌کند و این‌گونه می‌نویسد: «بجز پوشش عورت، برهنه‌اند و بدن خود را سیاه می‌کند و با آهنگ طبل به رقص در می‌آیند. در صورت برخورد با گروه دیگری از قماش خود با مشت و لگد به جان هم می‌افتند. اگر کارد یا خنجر بدست آوردند همدیگر را می‌کشند و ... شهید تلقی می‌شوند» (همو، 312).

این گزارش فیگوئروا، منطقی و منطبق با واقعیت نیست. احتمالاً به دلیل عدم آگاهی از مراسم مذهبی، اجرای نمایش صحنه‌های واقعه کربلا را به این شکل ترسیم نمود که افراد قصد کشتن هم دارند.

علاوه بر اینها، از مراسم دیگری یاد می‌کند که ربطی به واقعه کربلا ندارد و بیشتر

جنبه خرافی و تحقیرآمیز دارد و این‌گونه می‌نویسد: «عده‌ای دیگر در مراکز تجمع مردم گودالی می‌کنند و تمام بدن خود را برهنه و تا گردن در خاک فرو می‌کنند ... اینان رفیقی دارند که از حاضران یا رهگذران ایشان صدقه جمع می‌کنند» (همان جا). حتی خود فیگوروا نیز این کار را شیادی و کسب درآمد یاد می‌کند که هیچ ارتباطی به عزاداری نداشت (همو، 313). احتمالاً این کار، ریشه در عقاید انحرافی صوفیانه قرون قبلی در ایران داشته است.

همچنین در روز عاشورا، گزارشی از زنان شرکت‌کننده در مراسم سوگواری ارائه می‌دهد که قابل قبول است. وی در این باره می‌نویسد: «در این روزها تعدادی زن از روسی‌های متشخص یا مانند آن، به شهر می‌آیند ... آنان صندوقچه‌ای چوبین یا جعبه طلائی رنگ در دست دارند و خود را به مردها نزدیک می‌کنند، بی‌آنکه کلمه‌ای بر زبان آورند، می‌ایستند تا صدقه‌ای بدان داده شود، آنان این صدقات را به مردان نیازمندی که قبلاً شناسایی کرده‌اند، می‌دهند. زنانی نیز اهل فسق نیستند، هم این کار را می‌کنند» (همو، 313).

نکته دیگر در مورد زنان، رعایت حجاب در سوگواری‌های محرم بود و می‌نویسد: «زنان در این ده دوازده روز، روبنده از صورت نمی‌گیرند و هرکاری را با صورت پوشیده انجام می‌دهند که نشانه نهایت اخلاص و سوگواری آنان برای حسین علیه السلام است» (همان جا).

2-3. مراسم سوگواری ماه محرم در سفرنامه تاورنیه

تاورنیه سیاح فرانسوی بود که نه بار به ایران سفر کرده بود، اطلاعات ارزشمندی درباره ایران ارائه داده است. وی شاهد مراسم سوگواری و تعزیه ماه محرم بود و این چنین می‌نویسد: «من شرح تشریفات آن روز را مطابق با آنچه خود به رأی‌العین در میدان شاه اصفهان (1667م/1078م) مشاهده کرده‌ام، می‌نویسم» (تاورنیه، 412). تاورنیه درباره نحوه عزاداری، گزارش‌های معتدل و معقول‌تری نسبت به فیگوروا ارائه می‌دهد و برخی از آنها چون دادن اطعام به عزاداران و نمایش شهادت امام حسین و طفل شیرخواره‌اش علی‌اصغر، به واقعیت و حقیقت تاریخی نزدیکتر است و به طوری که امروز هم رواج دارد (همو، 414).

در ادامه می‌نویسد: «... هشت روز قبل از آن روز مخصوص (عاشورا)، متعصب‌ترین شیعیان تمام صورت و بدن خود را سیاه می‌کنند و برهنه عریان می‌شوند، فقط با پارچه کوچکی ستر عورت می‌نمایند و سنگ (سنج) بزرگی به‌رستی گرفته، در کوچه و معبرگردش نموده، آن را به یکدیگر زده ... متصل فریاد می‌کنند حسین حسین ... تا غروب مشغول این کار هستند. شبها مردمان مقدسی هستند که آنها را به خانه‌های خود برده اطعام شایانی می‌نمایند. در این ایام همین‌که آفتاب غروب

کرد، در اغلب گذرها و میدان‌ها منابری نصب شده، واعظین مشغول موعظه و حاضر کردن مردم برای روز مخصوص هستند ...» (همان‌جا).

تاورنیه در ادامه گزارش، به تعزیه دوظفان مسلم اشاره کرده است، هر چند که به اشتباه آن را فرزندان امام حسین نام برده است (همو، 414).

تاورنیه همچون دیگر سیاحان عصر صفوی به شرکت گروه‌های مختلف از جمله زنان، حتی بدکاران در مراسم عزاداری اشاره دارد و اینکه اینها معتقدند این کار، سبب آمرزش گناهان آنها خواهد شد (تاورنیه، 414). به قول استاد مطهری، اینکه گریه به هر شکلی برای امام حسین علیه السلام ثواب دارد، ریشه در تحریفاتی چون کتاب روضه الشهداء دارد (مطهری، 45 - 46). هر چند روضه‌خوانی از عوامل مهم تقویت نفوذ علمای مذهبی در عهد صفوی بود (پرغو و غلامزاده، 58).

تاورنیه همچنین از حضور ملا (روحانی) برای بیان واقعه کربلا در مرکز صفوی یاد می‌کند و می‌نویسد در پایان شاه به آن ملا خلعت می‌داد (همو، 415). در نتیجه گزارش‌های تاورنیه نسبت به فیگوروا به واقعیت نزدیکتر است و به جز اشتباهی مختصر، در بیان اصل روایت تاریخی واقع بین‌تر از فیگوروا بوده است.

3-3. مراسم سوگواری ماه محرم در سفرنامه پیترودلاواله

دلاواله از سیاحان ایتالیایی است که در سال 1617م/ 1026ق به ایران آمد و اطلاعات جالبی از اوضاع ایران و دربار صفوی ارائه می‌دهد. وی شاهد مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در اصفهان بود و گزارش مفصلی در این زمینه ارائه می‌دهد که برخی از آنها شبیه گزارش‌های فیگوروا است. دلاواله می‌نویسد: «ایرانیان تمام این مدت [دهه اول محرم] به طور مداوم عزاداری می‌کنند و ضمن تظاهرات عمومی عظیم، از پایان غم‌انگیز زندگی حسین علیه السلام ... سوگواری می‌کنند» (دلاواله، 1370، 123). دلاواله اشاره دارد که در این دهه مردم نه تنها از ارتکاب هرگونه گناه پرهیز می‌کنند بلکه خود را از هر گونه خوشی محروم می‌سازند (همان‌جا).

دلاواله همانند فیگوروا، از نوعی مراسم عزاداری یاد می‌کند که ریشه در مراسم سوگواری ندارد و تحریفی و خرافی است و این گونه می‌نویسد: «... بسیاری از گدایان در کوچه‌های پر آمد و رفت شهر، تمام بدن خود تا گلو و حتی قسمتی از سر را در خمره‌هایی از گل پخته که در داخل زمین پنهان شده فرو می‌کنند ... از طلوع تا غروب خورشید و حتی پاسی از شب گذشته به همین نحو باقی می‌مانند و فقیر دیگری در نزدیکی آنهاست، که با عجز از عابران طلب صدقه می‌کند. جمعی دیگر در میدان‌ها و کوچه‌های مختلف و در جلو خانه‌های مردم برهنه و عریان فقط با پارچه سیاه ستر عورت کردند ... تمام برای نشان دادن سوگواری و عزای حسین است» (همان: 124). این دو نوع نمایش در دهه محرم، فقط توسط دلاواله و فیگوروا

طرح شده است و چندان در ارتباط با سوگواری محرم نمی‌باشد و ریشه در رسوم قدیمی ایرانی و سنت خرافی دارد.

همچنین دلاواله، از دسته‌های دیگر نام می‌برد، که برهنه هستند و خود را به رنگ قرمز درآورده و با آهنگ‌های غم‌انگیز از مصائب امام حسین علیه السلام یاد می‌کنند و مردم به عنوان صدقه به آنها پول می‌دهند (همان‌جا).

دلاواله از لباس عزا و دسته‌های عزاداری و نقش واعظان در مراسم سوگواری و نمایش‌های روز عاشورا گزارشاتی دارد (دلاواله، 1380، 2، 561 - 562). وی به مانند فیگوئروا از دسته‌های عزاداری و درگیری بین آنها اشاره دارد و مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام را با شکوه‌تر از سوگواری امام علی علیه السلام یاد می‌کند (همان: 563).

در ادامه گزارشات، دلاواله از نقش و عاظ که روحانی بودند، اشاره دارد و می‌نویسد: «تمام سعی و کوشش را به کار می‌بندد تا هر چه ممکن است حاضرین را وادار به ریختن اشک کند...» (دلاواله، 1370، 124).

دلاواله به تفصیل مراسم عزاداری روز عاشورا را شرح می‌دهد و می‌نویسد: «پس از اینکه روز دهم ماه محرم یعنی روز قتل فرا رسید از تمام اطراف و محلات اصفهان دسته‌های بزرگی به راه می‌افتد... بیرق و علم خود حمل می‌کنند و بر روی اسب‌های آنان سلاح‌های مختلف و عمامه‌های متعددی قرار دارد. بعلاوه چند شتر همراه دسته‌ها هستند که بر روی آنها جعبه‌های حمل می‌شود که درون هر یک سه چهار بچه به علامت بچه‌های حسین شهید علیه السلام قرار دارند» (همو، 125).

دلاواله همانند سیاحان دیگر واقعه دوفلان مسلم و شهادت علی‌اصغر فرزند امام حسین علیه السلام را باهم اشتباه گرفته است ولی بیانگر این است که این مراسم‌ها از دوره صفوی در ایران رایج شده است.

دلاواله همانند دیگر سیاحان از نزاع و درگیری دسته‌های عزاداری گزارش می‌دهد اما فرق آن این است که او همانند فیگوئروا به شکل اغراق آمیز به آن می‌پردازد و باید با احتیاط به آن نگریست. وی در این باره چنین می‌نویسد: «... دسته‌ها به حمل تابوت‌های می‌پردازد که دور تا دور آنها مخمل سیاه رنگی و روی آنها یک عمامه و یک شمشیر جای دارد. تمام این اشیا روی طبق‌های متعدد بر سر عده‌ای قرار دارد... دور تا دور حاملین طبق را عده‌ای چویدار گرفته‌اند که هر آن آماده هستند با دسته‌ای دیگر که فقط به خاطر تقدم و تأخر بلکه به قصد مبارزه‌جویی وارد جنگ و نزاع شوند تا به نحوی در عزای حسین شرکت کرده باشند زیرا معتقدند که اگر کسی در این روز ضمن دعوایی کشته شود یکسره به بهشت خواهد رفت...» (همو، 125).

ترسیم خشونت‌آمیز بودن مراسم از سوی دلاواله، با اغراق و تحریف همراه است. زیرا هیچ یک از افراد دسته‌های عزاداری و نمایش‌های سوگواری قصد دعوا و

مبارزه برای کشتن دیگری را نداشتند و این برداشت نادرست دلاواله به دلیل عدم آشنایی با این مراسم بود.

در ادامه گزارش، از شواهد عینی خود مبنی بر نزاع دسته‌های عزاداری اشاره دارد و به خصوص اینکه اگر علم و طبق‌ها و سایر وسایل دسته‌ای به دست دسته‌ای دیگر می‌افتاد، سبب ننگ و خجالت عظیم آنها می‌شد (همان جا). این گزارش دلاواله را در منابع‌های دیگر هم می‌توان دید که متأسفانه واقعیت داشته و جنبه ناآگاهی و جهالت مردم و رسوخ عقاید خرافی در مراسم محرم دارد. شاید حکمرانان صفوی برای سلطه بیشتر بر مردم به این‌گونه حرکات دامن می‌زدند.

3-4. مراسم سوگواری ماه محرم در سفرنامه آدم اولناریوس

اولناریوس منشی هیئت هلشتاین بود که در سال 1637م/ 1057ق به ایران و دربار شاه صفی رسید. وی گزارش‌های خوبی از مراسم سوگواری ماه محرم به‌خصوص در زمینه مرثیه‌خوانی و قمه‌زنی و دسته‌های عزاداری در اردبیل کنار مقبره شیخ صفی‌الدین ارائه می‌دهد.

اولناریوس در یک توصیف کلی از سنت ایرانیان در مورد عزاداری محرم می‌نویسد: «... در طول مدت سوگواری ایرانی‌ها، لباس عزاداری می‌پوشند، مکرر و غمگین هستند و موی سر خود را اصلاح نمی‌کند و این خلاف کردار و رفتار آنان است» (اولناریوس، 111).

وی به توصیف مراسم سوگواری محرم در کنار مزار شیخ صفی می‌پردازد و می‌نویسد، اردبیل پنج خیابان بزرگ دارد و هر کدام مختص به صنف معینی است و هر کدام دسته ویژه و جداگانه‌ای تشکیل داده و برای خود مداحی معین دارند (همو، 112). وی از گروهی فقیر نام می‌برد که سر تا پای خود را سیاه می‌کردند و سنگ‌های را به هم می‌کوبیدند با چنین شیوه گریه و زاری در مقابل حجره عزاداری پرسه می‌زدند تا صدقه‌ای به آنها دهند (همان جا).

لذا با استناد به گزارش‌های اولناریوس و سیاحان دیگری چون تاورنیه، فیگوئروا و دلاواله می‌توان پی برد که برخی از افراد طبقه پایین و فقیر در ایام سوگواری پول‌های را با عنوان صدقه برای کمک خرجی زندگی خود به روش‌های مختلف از افراد جامعه دریافت می‌کردند و به نوعی خود را مظلوم و سزاور کمک نشان می‌دادند.

وی در ادامه گزارشات از برگزاری مجالس روضه‌خوانی و همچنین استفاده از اشعار کتاب روضه الشهداء در مدح امام حسین علیه السلام اشاره دارد (همان جا).

اولناریوس در ادامه از مراسم نعش‌گردانی امام حسین علیه السلام و حمل پرچم و گردش اسب و شتر با حمل علم، پارچه و اسلحه و همچنین از حمل تابوت‌های به ویژه تابوت

بچه که تمثیلی از شهادت فرزند امام حسین علیه السلام است، اشاره دارد (همان، 117 - 118).

نکته قابل توجه گزارشات اولناریوس در مراسم روز عاشورا شهراردبیل است که در آن روز عده‌ای از عزاداران به خنجر، قمه‌زنی و رگ‌زنی (نشتر) مبادرت می‌کردند و در این رابطه چنین می‌نویسد: «زمانی که خورشید برآمد (روز عاشورا)، تعداد زیادی از اهالی در حیاط جلوی مزار شیخ صفی بازوان خود را با نشتر سپردند. چند تن دیگر رگ دست خود را بازکردند، تعداد آنها به قدری زیاد بود که تا ظهر حیاط را خون آن چنان پوشانده بود که به نظر می‌رسید چندین رأس گاو نر را سر بریده‌اند ... این کردار به یاد روان شدن خون امام مظلوم آن‌هاست و باوردارند که با رفتن خون، بسیاری از گناهان و تقصیرات آنان نیز از بدن بیرون می‌رود ... هر کس در مراسم مربوط به آن‌ها شرکت کرده باشد مشمول رحمت الهی خواهد شد» (همان، 118).

به احتمال زیاد این رسم از دوره صفوی در ایران، به ویژه آذربایجان مرسوم شد و گزارش‌های سیاحان مؤید این امر است.

3-5. مراسم سوگواری ماه محرم در سفرنامه انگلبرت کمپفر

کمپفر در سال 1683م/ 1094ق به همراه هیئتی برای مطالعات علمی به ایران آمد و به مدت دو سال در ایران بود. وی در سفرنامه‌اش به مراسم سوگواری محرم توجه داشت و می‌نویسد: «ایرانیان ده روز اول ماه محرم را هر ساله به تجدید خاطر این واقعه جانسوز (شهادت امام حسین علیه السلام) می‌گذرانند. قبل از ظهرها به میدان‌ها و معابر عمومی می‌آیند و با احترام تمام به سخنان ملا که روزانه یکی از فصول ده‌گانه کتاب روضه‌الشهدا واعظ کاشفی را می‌خوانند، گوش فرا می‌دهند» (کمپفر، 180).

در مورد نحوه‌ی اجرای مراسم مذهبی در دهه اول محرم می‌نویسد: «غروب همه در دسته‌های نامنظم به استراحت‌گاه‌های کوچک سر چهار راه‌ها یا اماکن عمومی می‌روند و با خود چیزهای قابل اشتعال می‌برند و دور آتش حلقه می‌زنند و بزودی رقصی آغاز می‌گردد، که در ضمن آن نام حسین را به صدای بلند ذکر می‌کنند ... این عزاداری در روز عاشورا ختم می‌شود. در این روز مردم ... تابوت امام مقتول ... و جسد خون‌آلود پسر بچه‌ای را ... حمل می‌کنند ... در بعضی از شهرها شرکت‌کنندگان در این تشییع جنازه با تیغی که در دست دارند به سر خود که تازه تراشیده شده زخم می‌زنند ...» (همو، 180 - 181). گزارشات کمپفر درباره مراسم محرم، شبیه گزارشات سیاحان دیگر است ولی نسبت به فیگوئروا و دلاواله از اعتدال بیشتری برخوردار است.

کمپفر نیز به تعزیه‌خوانی و تیغ‌زدن و زخمی کردن سر عزاداران اشاره دارد که

شروع آن مختص دوره صفوی است.

3-6. مراسم سوگواری محرم در سفرنامه کاتف

فدت آفاناس یوچ کاتف، تاجر روسی، در سال 1623م/1033ق به ایران آمد و در سفرنامه خود، درباره سوگواری ماه محرم در اصفهان اطلاعات مختصری می‌دهد و می‌نویسد: «در مراسم سوگواری و تعزیه، تابوت‌های مخمل‌دار در جلوی شترهایی که روی آنها بچه‌های لخت را طوری نشانده‌اند که ... فریاد می‌زنند حسین حسین، پیشاپیش تابوت‌ها، چوب‌های بزرگی را حمل می‌کنند و به همراه اسبان آنها دو طفل لخت که بدن و سر و صورت خود را به خون آلوده‌اند، سوار بر اسب در حرکت‌اند ... منظور از بچه‌های خونین همان کودکان بی‌گناه امام حسین علیه السلام است که شهید شده‌اند» (کاتف، 81).

در نتیجه کاتف روسی، به مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی واقعه کربلا اشاره مختصری دارد و در گزارشات او چیز تازه‌ای وجود ندارد. او نیز اشتباهاتی در گزارش خود چون مراسم دو طفلان مسلم با مراسم حضرت علی‌اصغر دارد که همه آنها را از فرزندان امام حسین علیه السلام می‌پندارد.

3-7. شاردن و مراسم سوگواری ماه محرم

شاردن سیاح معروف فرانسوی در سال 1665م/1076ق به ایران آمد و اطلاعات بسیار خوبی از آداب و رسوم ایران ارائه می‌دهد ولی گزارش مختصری در زمینه سوگواری محرم دارد و در این باره می‌نویسد: «بزرگترین سوگواری‌ها روز شهادت پسر حضرت علی علیه السلام انجام می‌گیرد» (شاردن، 1/449). وی بر عکس سیاحان دیگر توجه چندانی به مراسم عزاداری و دستجات ماه محرم ندارد و اطلاعاتی در این مورد ارائه نمی‌دهد.

3-8. مراسم سوگواری در سفرنامه جوانی فرانچسکو جملی‌کاری

جملی‌کاری در اواخر سلطنت شاه سلیمان صفوی (1105ه. ق) به ایران آمد و از مراسم سوگواری ماه محرم در اصفهان یاد کرده است (کاری، 125). جملی‌کاری در بخش دوم سفرنامه‌اش از فصل اول آن، از سوگواری شهادت امام حسن و امام حسین علیه السلام یاد می‌کند (همو، 125 - 127). وی مراسم سوگواری هر دو امام علیه السلام را باهم ذکر می‌کند و گزارش کاملاً اشتباهی دارد و می‌نویسد اینها بدست عمر به قتل رسیدند و مراسم عمرگشی را ذکر می‌کند (همو، 125). این روایت بیانگر اطلاعات ضعیف نویسنده است، البته منظور از عمر در بین مردم عزادار همان عمرین سعد است که جملی‌کاری به اشتباه با عمر خلیفه دوم یکی دانسته است. جملی‌کاری شخصی تاجرپیشه بود و اطلاعات چندانی از مراسم مذهبی نداشت،

به همین خاطر اشتباهاً مراسم غم‌کشی و مراسم شهادت امام علی و امام حسین علیهما السلام را با هم یکی دانسته است (همو، 123). در مجموع کاتف و کاری، اطلاعات چندانی از مراسم سوگواری ماه محرم ارائه نمی‌دهند و اگر مختصری هم ذکر کرده‌اند تکرار نوشته‌های سیاحان قبلی است و بیشتر با اشتباه همراه بوده است.

4- جمع‌بندی آماری گزارشات و دیدگاه‌های هشت سفرنامه‌نویس¹ خارجی عصر صفوی

درباره مراسم سوگواری ماه محرم:

(تاورنیه، 414؛ دلاواله، 1370؛ 125؛ اولناریوس، 117 - 118؛ کمپفر، 181؛ کاتف، 81)	اجرای مراسم سوگواری با نمایش شبیه خوانی صحنه شهادت امام حسین <small>علیه السلام</small> ، قتل طفل شیرخوار امام <small>علیه السلام</small> و دو طفلان مسلم که به اشتباه فرزندان امام حسین <small>علیه السلام</small> معرفی شده‌اند، همراه بود.
(اولناریوس، 117 - 118؛ دلاواله، 1370؛ 101؛ کمپفر، 181، کاتف، 81 - 82)	2- مراسم تعزیه و شبیه خوانی و شبیه گردانی بصورت نعش گردانی در دوره صفویه به صورت ابتدایی صورت می‌گرفت
(اولناریوس، 118؛ کمپفر، 180 - 181)	3- اجرای رسم قمه‌زنی و زخمی‌کردن سر و بدن توسط خنجر و نشتر زدن (رگ زدن) در روز عاشورا
(ر. ک. تمام هشت سفرنامه خارجی مذکور)	4- برگزاری مجالس سخنرانی توسط علمای مذهبی در معابر عمومی و میدان‌های شهر در دهه اول محرم
(فیگوئروا، 307 - 308؛ کاری، 125؛ تاورنیه، 414 - 415)	5- حضور اکثریت افراد جامعه بخصوص زنان از طبقات مختلف، حتی زنان روسبی
(فیگوئروا، 308 و غیره)	6- حضور شاه، بزرگان و اعیان در مراسم سوگواری
(تاورنیه، 414؛ دلاواله، 1370؛ 125؛ اولناریوس، 118)	7- اعتقاد ایرانی‌ها مبنی بر اینکه گریه و زاری در مراسم سوگواری منجر به بخشش گناهان می‌شود.
(کمپفر، 180؛ اولناریوس، 112)	8- موعظه خوانان با خواندن اشعار و روضه از کتاب روضه الشهدا ملاحسین واعظ کاشفی، حضار را به گریه وادار می‌کردند. به نوعی مجلس روضه‌خوانی رواج یافت.
(اولناریوس، 111؛ دلاواله، 1370؛ 100)	9- در روز عاشورا کسب و کار تعطیل و حرام بود و فقط به عزاداری مشغول بودند. وضع ظاهر عزاداران با پوشیدن لباس سیاه و نتراشیدن موی سر و صورت به عنوان علائم عزا مرسوم گردید.
(کمپفر، 180؛ اولناریوس، 112)	10- راه‌اندازی و برپایی دسته جمعی عزاداری با همکاری و کمک مالی مردم محلات همراه بود. به عبارتی هیئت عزاداری محلات تأسیس شد.

1. اولناریوس، تاورنیه، دلاواله، فیگوئروا، کمپفر، کاری، کاتف، شاردن.

11- راه‌اندازی سینه زنی و زنجیرزنی در مراسم سوگواری (فیگوروا، 310؛ کمپفر، 180؛ کاتف، 82)	
12- در برخی موارد بین دسته‌های مختلف عزاداری بر سر تقدم دسته‌ها و علم آنها در میدان و مکان‌های عزاداری منجر به دعوا و حتی زخمی و کشته‌شدن افراد می‌شد.	(فیگوروا، 311؛ دلاواله، 1380؛ 563؛ دلاواله، 1370: 125)
13- آیین سنگ زنی برای سوگواری یا دو قطعه چوب و استخوان را بهم می‌کوبیدند	(دلاواله، 1370: 100؛ تاورنیه، 412 - 414)
14- برخی سیاحان مراسم غم‌رکشی و شهادت امام علی <small>علیه السلام</small> را با مراسم سوگواری محرم اشتباه گرفته‌اند.	(دلاواله، 1370: 126؛ کاری، 125 - 123)
15- گزارش سیاحان در مورد برخی مراسم عزاداری چون قربانی کردن شتر و قطعه قطعه کردن آن و برهنه کردن افراد با نمایش رقص و سنج با اغراق و تحریفاتی همراه است.	(فیگوروا، 311 - 312؛ تاورنیه، 412؛ دلاواله، 1370: 124 و 126)
16- اطعام دادن عزاداران حسینی به خصوص در روز عاشورا	(تاورنیه، 412؛ اولناریوس، 113)
17- ساختن آب انبار و سقاخانه برای یاد تشنگان کربلا	(فیگوروا، 310)
18- رسوخ برخی رسوم خرافی و اغراق‌آمیز در مراسم سوگواری مانند رسم قربانی شتر و قطعه قطعه کردن آن و قرار دادن تیکه گوشت بر سر نیزه‌ها و چرخاندن آن در شهر یا برهنه شدن افراد	(فیگوروا، 311 - 313)
19- دریافت هدیه و پول توسط علمای دینی در قبال روضه‌خوانی و سخنرانی در مراسم سوگواری	(فیگوروا، 310؛ تاورنیه، 415؛ کاری، 125)
20- رعایت حجاب و پوشش در مراسم سوگواری دهه محرم از سوی زنان، حتی زنان روسبی	(فیگوروا، 314 و غیره)
21- شنیادی و فریبکاری عده‌ای برای کسب صدقه و پول در ایام سوگواری مانند گودال‌کندن و رفتن در آن، سیاه کردن و قرمز کردن بدن برهنه، همان چاک چاکوها	(دلاواله، 1370: 124؛ تاورنیه، 412؛ فیگوروا، 312 - 313؛ اولناریوس، 112)
در مجموع: بیست و یک نکته درباره مراسم سوگواری محرم استخراج شد	هشت سفرنامه اروپایی عصر صفوی

5- تحلیل جامعه‌شناختی مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام بر مبنای داده‌های سفرنامه‌های مذکور

با بررسی سفرنامه‌های خارجی چنین استنباط می‌گردد، اگر چه در دوره صفوی مراسم آیین سوگواری رشد یافت اما هنوز تکامل نیافته بود. مراسم سوگواری در

گذشته و آغاز حکومت صفوی در روز عاشورا برگزار می‌شد ولی به مرور با حمایت دولت صفوی و به روایت سیاحان در ده روز اول محرم برگزار می‌شد و سیر روبه رشدی داشت. آیین سوگواری ابتدا در قالب دسته‌هایی بود که از برابری تماشاچیان رد می‌شد و با سینه‌زدن و زنجیر زدن و کوبیدن سنج و حمل علم و علامت و هم‌آوازی، حماسه‌سرایی کربلا را یادآوری می‌کردند.

از زمان شاه اسماعیل اول مجلس روضه‌خوانی با تبلیغ کتاب روضه الشهداء رواج یافت و سبک تازه‌ای از فعالیت به نام روضه‌خوانی را بوجود آورد (پترچلکووسکی، 165). به استناد سفرنامه‌های خارجی مذکور، روحانیون مذهبی شرح واقعه کربلا را با استناد به کتاب روضه‌الشهدا واعظ کاشفی، تشریح می‌کردند و در هر روز از ده روز محرم، یکی از فصول روضه‌الشهدا را قرائت می‌کردند (کمپفر، 179 - 180).

در سفرنامه‌های اوایل دوره صفوی، جنبه‌های نمایشی و خیابانی و نزاع خونین بین عذاران در تبریز مشاهده نمی‌شود و مستندات تاریخی گواه بر آن است که همگانی شدن مراسم عاشورا از دوره میانه صفوی به خصوص از زمان شاه عباس اول است (نجف زاده، 340). در دوره شاه عباس اول، مراسم محرم از سطح محلی به سطح یک «کارناوال» عظیم تبدیل شد و به قول کلمارد، حداقل از زمان تغییر پایتخت به اصفهان، در زمان شاه عباس اول، مراسم محرم در زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان، نمود بیشتری یافته است و تا اواخر دوره صفوی ادامه یافت (Calmark, 142-143). ولی انعکاس مراسم مذهبی در سفرنامه‌های میانه صفوی به ویژه شاه عباس اول مفصل‌تر از سفرنامه‌های اواخر دوره صفوی بود.

با استناد به سفرنامه‌های خارجی، تعزیه در این دوره نوعی واقعه‌خوانی بود و مانند نمایش‌های جمعی و همگانی اجرا می‌شد. علاوه بر آن، دسته‌هایی نیز اسب‌ها و تابوت خونین و کودکان خون‌آلود را حمل می‌کردند. ظاهراً یکی از سوگواری‌های نخستین عزاداری برای طفلان مسلم و حضرت علی‌اصغر بوده است که سفرنامه‌های خارجی به اشتباه همه را فرزندان امام حسین علیه السلام قلمداد کردند (ر.ک. تاورنیه، 414؛ دل‌واله، 1370: 125؛ کارری، 125 - 126؛ کاتف، 81). در نتیجه دوره صفوی محملی برای رشد یک نوع نمایش سنتی به نام تعزیه شد و آن در ابتدا به معنی عزاداری برای امام حسین علیه السلام و شرح واقعه کربلا خلاصه می‌شده است.

نکته دیگر اینکه، اجرای آیین سوگواری ماه محرم به خصوص در روز تاسوعا و عاشورا، یک اقدام جمعی بود که نوعی رقابت بین دسته‌جات را برمی‌انگیخت و این رقابت موجب تأمین مالی مراسم می‌شد. همکاری دسته‌های عزاداری محله‌های مختلف، به‌خصوص سران دسته‌ها، در پرداخت هزینه‌های عزاداری، قابل توجه است. این همکاری‌ها جدا از جنبه مذهبی و کسب ثواب اخروی، گاهی با وقف

دکان‌هایی از سوی ثروتمندان و سرشناسان محلات برای تأمین مالی و عزاداری همراه بود. علاوه بر آن، ساکنان محلات اصولاً در تأمین مالی دسته‌جات به اندازه وسع مالی خود داوطلبانه شرکت می‌کردند و حتی شاه و بلندپایگان حکومتی نیز در این مشارکت همراهی می‌کردند. نیت برپاکندگان دسته‌جات عزاداری، جدا از جنبه مذهبی، از لحاظ اجتماعی، برای آن بود که منزلت اجتماعی و آبروی محله خود را با اجرای خوب و کامل مراسم سوگواری محرم حفظ کنند تا از جایگاه مناسب اجتماعی بهره‌مند شوند (ر. ک. بیضایی، 116).

نکته دیگر اینکه، افراد در دهه محرم سعی می‌کردند، مسائل شرعی را رعایت نموده و از ارتکاب گناه پرهیز کنند. همچنین مراسم محرم یادآوری تفکر دفاع از حق و مظلومیت و مبارزه با ظالم است.

نکته دیگر اینکه، همکاری جمعی و رقابت در قالب دسته‌جات عزاداری بین محلات مختلف یک شهر و روستاهای همجوار، گاهی منجر به نزاع و درگیری قومی و محلی می‌شد، که با کشته یا زخمی شدن افراد همراه می‌گردید. این اعمال یادآور رسوم جاهلی و غیر مذهبی است که هیچ ربطی به فلسفه قیام امام حسین علیه السلام و مظلومیت ایشان نداشت (ر. ک. فیگوئروا، 311: دلواله؛ 1380: 563).

نکته دیگر، برپای مکان‌های عزاداری بود. در محلات شهرها، علاوه بر تکایا و مساجد، تکایای موقتی نیز در معابر عمومی شهر بوسیله چادر، خیمه و خرگاه برپا می‌شد، که در سفرنامه‌های خارجی به آن اشاره شده است. در این اماکن ابزار آلات عزاداری مانند علم، طبل، سنج، تابوت و قربانی کردن گاو، گوسفند و شتر، تماماً از سوی کمک‌های مردمی و افراد خیر و متمکن محلات تأمین می‌شده است. اقدام آنها در نظر قاطبه مردم، اقدامی دینی و اخروی محسوب می‌شد. از این رو نذر و نیازهای مردمی در این مواقع به اوج خود می‌رسید. به قول تاورنیه مردم محلات در برپایی هر چه باشکوه‌تر آن سنگ تمام می‌گذاشتند (تاورنیه، 336).

نکته بسیار قابل توجه کارکردهای اجتماعی مراسم محرم است. تشریفات و مراسم مذهبی از نظر جامعه شناسان برای پیوند اعضای گروه‌های اجتماعی ضروری است، از این رو آنها در بحران‌های گوناگون زندگی اجتماعی مانند تولد و مرگ حضور پیدا می‌کنند (گیدنز، 493). در واقع شرکت در مراسم سوگواری، به این معناست که افراد بعد از مرگ آن شخص، به ارزشها و شعائر اجتماعی‌اش پایبند می‌باشند. مراسم ایام محرم، کارکردهای اجتماعی متعددی برای جامعه دارد؛ یکی از آنها ایجاد همبستگی است. علاوه بر آن، یکی از عوامل مهم بازدارنده ناهنجاری‌های اجتماعی و الگوی برای انجام اعمال صواب است. همچنین باعث پیوستگی و استمرار فرهنگی می‌شود. دیگر اینکه، طبقه و فاصله طبقاتی در مراسم محرم جای ندارد و نوعی وفاق اجتماعی و وحدت در آن است. مهم‌تر اینکه، مراسم مذهبی محرم سبب جامعه‌پذیری و بازیابی

هویت دینی می‌گردد.

مسئله دیگر اینکه، بر اساس گزارش سیاحان می‌توان گفت احتمالاً از دوره شاه عباس اول، مراسم و شعائر شیعی به حوزه همگانی گسترش یافت. اگر در دوره شاه اسماعیل اول، گزاره اصلی گفتمان سیاسی - مذهبی صفوی، نفوذ و سرایت مذهب شیعه اثنی عشری بود، در گفتمان دوره شاه عباس اول، مناسک و شعائر مذهبی به خصوص محرم حوزه همگانی را در برمی‌گرفت و در دوره بعد از شاه عباس اول، در سیمای متفاوت دیگری جلوه‌گر شد. به طوری که جنبه‌های دراماتیک و حزن‌آورتری در مناسک محرم افزوده شد و از شکل کارناوال رسمی به مراسم تأثر برانگیز درآمد مانند تابوت گردانی. علاوه بر آن ساخت سقاخانه به یاد ابوالفضل عباس علیه السلام و تکیه و حسینیه در دوره میانه صفوی صورت گرفت (نجف زاده، 342). نصرآبادی در تذکره خود، نخستین آن را در اصفهان می‌داند (نصرآبادی، 9). در نتیجه راه‌اندازی حسینیه، تکیه و دسته‌های عزاداری محصول این دوره به خصوص اواخر صفوی است (مطهری، 87 - 88).

نکته مهم و قابل توجه دیگر، رسوخ عقاید و سنت‌های غیر مذهبی در مراسم سوگواری و فرهنگ عمومی مردم بود. از آن جا که در دوره صفویه مراسم عزاداری در نهایت شکوه و عظمتش اجرا می‌شد، در اجرای آن برخی از جنبه‌های مراسم عامیانه قدیمی مانند علم‌کشی و دسته گردانی وارد شد که ربطی به قیام امام حسین و شیعیان نداشت و تبدیل به فرهنگ مذهبی عمومی شد (ر. ک. فیگوتروا، 311 - 313). علاوه بر اینها، رواج برخی رسوم غلط چون قمه‌زنی و زخمی کردن سر و بدن با کارد و حرکات زشت گدایان و افراد فقیر به شکل‌های مختلف برای کسب پول و درآمد بود که ربطی به مسائل سوگواری ماه محرم نداشت (ر. ک. اولناریوس، 118؛ کمپفر، 180 - 181). در نتیجه در دوره صفوی، به‌خصوص شاه عباس اول، بین مراسم مذهبی و دیگر شعائر غیر مذهبی نوعی آمیختگی مشاهده شده است. رواج این رسومات خرافاتی و غلط در بلند مدت تأثیرات منفی از لحاظ فرهنگی و سیاسی بر جامعه ایران گذاشت.

۶- تحلیل تاریخی و اجتماعی مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام و تاثیر آن در انقلاب اسلامی ایران

بخش عمده‌ای از رویدادهای مربوط به نهضت امام حسین علیه السلام را تاریخ‌نویسانی چون طبری، ابن اثیر، ابوالفرج اصفهانی، مسکویه رازی، ابوحنیفه دینوری، شیخ مفید، بلاذری از «مقتل» ابومخنف در کتابهای «الامم و الملوک»، «الکامل فی التاریخ»، «تجارب الامم»، «مقاتل الطالبیین»، «اخبار الطوال»، «ارشاد و انساب الاشراف» «روضه الشهداء»، نقل همه اینها با حدیث و روایت و آیات الهی توس‌ذکرین

مصایب اهل بیت علیهم السلام و عاظ پردازش شده و مارو بوجو آمدن قیامها تحریک و تریح تهیج نموده است در محرم و صفر روی منابر آن را قرائت می‌کردند.

بدین سبب گروه ذاکرین به روضه خوان و خطبا و عاظ مجالس و عالمان دینی موسوم شدند، مثلاً در منابر مصایب اهل بیت را از کتاب «روضه الشهداء» می‌خواندند. در شکل زندگی، سفر، زندگی و مرگ و رویارویی با دشمن و خطابه و رجزهایی که ایراد می‌کردند هم تاریخ و انقلاب و دگرگونی می‌ساختند، هم اسلام راستین و رفتار مسلمانانه را به نمایش می‌گذاشتند و هم به مردم زمانه و زمان‌های در راه پیام می‌دادند که اسلام راستین چیست و مسلمان واقعی کیست؟

میرزا یحیی مدرس (قرن سیزدهم هجری)، جیحون یزدی (قرن سیزدهم هجری)، حاج شیخ عبدالسلام تربتی (قرن سیزدهم هجری)، جلال همایی (از شعرای بزرگ معاصر)، امیری فیروزکوهی (از شعرای بزرگ معاصر) و جودی خراسانی و چند تن دیگر از شعرای معاصر به وضوح مراسم سوگواری آن حضرت هم‌امام را با ذکر سند منابع اصیا و دسته اول نهایت اخلاص و خضوع هنرمندانه بیان داشتند. و سخنرانیهای فرزندان انقلاب در سخنرانیها و خطابه در ایام محرم و صفر به گوش مردم و انقلابیون می‌رساندند.

مثلاً به روایت از کربلا مشهون از درس و ایستادگی و شهامت است بسنده می‌کنم. همانند: «عابس» به «شودب» می‌گوید: «ابتدا تو به میدان برو، و من شنونده - یا شاید هم شودب - لحظه‌ای فکر می‌کنیم که عابس برای لحظه‌ای بیشتر زندگی

کردن می‌کوشد! شودب می‌پرسد: «چرا اول من؟ گرچه فرقی نمی‌کند و همه برای شهادت آمده‌ایم و هر کس بر دیگری پیشی می‌جوید. پس چرا تو مرا پیش می‌رانی؟!» عابس: «نگاه کن حسین تمامی یاران و خویشان، حتی کودکان و زنان و شیرخوارگان را به مقتل آورده است، در حالی که مرا نه پدری است و نه برادر و خواهر و زن و کودکی ... تنها کس من تویی، به جای پدر و مادر و برادر و فرزند تنها تو را دارم، پس ابتدا می‌خواهم با تو به اندازه مهر و عشقم، به جای هر کسی که می‌توانستم داشته باشم در راه امامم و اعتقاد شهید شوم و بعد خود به میدان بروم تا اجر بیشتری بیابم.

امام حسین علیه السلام در تقدیر از این یاران مخلص و دلاور فرمود:

«فانی لا علم اصحاباً او فی و لاخیراً من اصحابی و لا اهل بیت ابّر و لا اوصل من اهل بیته فجزاکم الله عنی خیراً»

«همانا من یارانی باوفاتر از یاران خود سراغ ندارم، و بهتر از ایشان را نمی‌شناسم، و خاندانی نیکوکارتر و مهربانتر از خاندان خود ندیده‌ام، خداوند از جانب من بهترین پاداش را به شما عنایت فرماید.»

امام حسین علیه السلام در ضمن نامه‌ای به مردم بصره نوشت:

«فان السنه قد امیتت، ان البدعه قد احییت»

«همانا سنت الهی مرده، و بدعت‌های ضد اسلامی زنده شده است.»

نظر به اینکه واکاوی یک جریان انقلاب بر اساس آموزه‌های قرآنی و و تطبیق آن با قیام عاشورایی همانند انقلاب امام خمینی علیه السلام در سال پنجاه و هفت خورشیدی یک بینش دینی و بررسی آن در طول تاریخ همواره بهم پیوستگی آشکار و روشنی دارد که بر همگان هویدا است.

با توجه به مباحث ارایه شده اولین نکته تاثیر گذاری بدون شک انقلاب اسلامی ایران به عنوان ادامه دهنده راه نهضت بزرگ عاشورایی و حسینی بعد از هزار و چهارصد سال از پوست و گوشت این انقلاب ریشه دوانده و رهبر بزرگ انقلاب در روز بعثت پیامبر اسلام چه بجا فرمودند همانگونه در بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله چهارده کنگره کاخ پادشاهی در مداین عصر ساسانی فرو ریخت و آن چهارده کنگره می‌تواند فرو ریختن اساس پادشاهی و انهدام رژیم ستم‌شاهی را در قرن چهاردهم باشد.

نکته دیگر بیان پر مغز نوه پیامبر اسلام حضرت امام حسین علیه السلام است که در طول تاریخ توسط پیروان راستینش و عاظ دلسوخته‌اش در تمامی مراسم سوگواری و غیر آن زمزمه می‌شود و می‌فرماید:

«ان کان دین محمد لایستقم الا بقتلی یا سیوف خذینی»

اگر دین محمد جز با کشته شدن من بر پای نمی‌ماند، ای شمشیرها مرا دربرگیرید.

نکته دیگر هم حضرت امام خمینی در عملیات تروریستی منافقین کوردل فرمودند بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می‌شود (صحیفه امام خمینی ۷، ۱۸۳) یکی از مهترین تاثیر عاشورا در انقلاب اسلامی بوجود آمدن انقلاب و شورش‌های ضد طاغوتی در قرون گوناگون شده و جنبش‌های فراوان حق‌طلبانه و اصلاحی را در تاریخ اسلام و جهان امروزه و انقلاب اسلامی بوجود آورده است. نهضت عاشورا بعنوان محور عمود امید بخش بوده و عالیترین الهام معنوی نوید آمل و تحرکات انقلابی شده است. امام خمینی با روشن نمودن اهداف و انگیزه‌های نهضت امام حسین مراسم عاشورا را به یک امر کاملاً سیاسی تبدیل نمود و از آن به بهترین وجه برای پیشبرد نهضت بهره برد. تاثیر دیگر آن در انقلاب اسلامی بیان مشهوریست: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» محور دینی نهضت شد. امام خمینی بر این روایت (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) که در واقع بیانیه حرکت و حضور هر مسلمان در صحنه تقابل حق و باطل است، بارها تأکید کردند.

امام خمینی و بنیانگذار انقلاب اسلامی در جای دیگر می‌فرماید:

«امام حسین علیه السلام با خون خود اسلام را زنده کرد، شما به تبعیت از او انقلاب و اسلام را ضمانت نمائید» (صحیفه امام خمینی، 17، 439 - 440)

بخشی از سخنان و پیام‌های حضرت امام مؤید این نکته است که برپایی انقلاب اسلامی و ایجاد هویت آن، منبعت از قیام سیدالشهدا و تأثیر همین مراسم سوگواری آقا بوده است. این نکته در بسیاری از آثار حضرت امام انعکاس یافته است؛ از جمله:

«انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است». (صحیفه امام خمینی، 17، 482)، «فداکاری‌ها و مجاهدات جوانان برومند کشور اسلامی که پایه‌گذار خروج از ظلمت به سوی نور و از حقارت به سوی سرافرازی و از اسارت به سوی استقلال بود، از نور الهی عاشورا فروغ و از شمس جمال حسینی گرمی یافت ...». (همان: 16، 290)

«نهضت امام حسین آمده تا اینجا و این نهضت را درست کرده است. [نهضت ما] شعاعی است از آن نهضت». (همان: 10، 314)

«نهضت ما مرهون امام حسین است». (همان: 8، 528)

«ما هر چه داریم از محرم است ... از شهادت سیدالشهداء است. اگر این مجالس وعظ و خطا به و عزاداری و اجتماعات و سوگواری محرم نبود، ما پیروز نمی‌شدیم؛ همه تحت بیرق امام حسین علیه السلام قیام کردند». (همان: 17، 58)

«اگر این دستجات سینه‌زنی و نوحه سرایی نبود 15 خرداد پیش نمی‌آمد؛ هیچ قدرتی نمی‌توانست 15 خرداد را برپا کند، مگر قدرت خون سیدالشهداء». (همان: 16، 346)

این روند در برخی سخنان امام آن‌چنان به صراحت نزدیک می‌شود که جنبه شبیه‌سازی و این همانی در هویت پیدا می‌کند؛ برای نمونه:

«امروز، روز انتقام از کفر و نفاق است. روز، فداکاری است. امروز، روز عاشورای حسینی است. امروز، ایران کربلاست؛ حسینیان آماده باشید». (همان: 21، 11)

«این همه مردم خون دادند برای اینکه اسلام تحقق پیدا کند؛ [این راه] دنباله کار سیدالشهداست؛ سیدالشهداء هم خونش را داد برای اینکه اسلام تحقق پیدا کند». (همان: 8، 42)

نتیجه

از نتایج قابل توجه مراسم محرم در عصر صفوی، جنبه‌های کارکردی و عاطفی آن است که اهم آن عبارتند از: ایجاد همبستگی و استمرار فرهنگ دینی، وفاق اجتماعی، جامعه‌پذیری، کاهش بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی، بازیابی هویت دینی و دفاع از حق.

نتیجه دیگر، وحدت محلات در برگزاری مراسم و تأمین ملزومات آن، کمک به نیازمندان و همچنین رعایت مسائل شرعی و پرهیز از گناه در ایام سوگواری و در ادامه اجرای این مراسم برای دیگر امامان بود.

اما از نکات قابل تامل آن، تحریفاتی بود که وارد مراسم مذهبی محرم شد و ربطی به آیین شیعه و قیام امام حسین علیه السلام نداشت و به مرور در فرهنگ عامه مردم رسوخ کرد و رنگ مذهبی به خود گرفت. مراسمی چون قمه‌زنی، زخمی کردن سر و بدن، دعوا و نزاع بین دسته‌های عزاداری بر سر مسائل جزئی چون تقدم علم و علم‌کشی و دسته گردانی، نمونه‌های از این تحریفات بودند. که به برکت مراجع عظامی چون امام خمینی از چهره زلال اسلام و تشیع زوده شد.

فرجام سخن اینکه، مناسک و شعائر مذهبی تشیع کاملاً ذهن و زبان جامعه ایرانی را متوجه خود ساخت و بر اساس مؤلفه‌های نیرومند از تاریخ اسلامی که با روحيات ایرانیان همخوانی داشت، نظام فرهنگی و زبانی منحصر به فردی را ایجاد کرد که بعدها تحولات سیاسی و اجتماعی ایران را شدیداً تحت تأثیر قرار داد. و ما امروز به برکت آن در آستانه جشن چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی هستیم.

فهرست منابع

1. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، «مجموعه آثار امام خمینی»، ۱۳۷۲، تهران
2. ابی مخنف، *وقعة الطف*، قم: موسسه النشر الاسلامی، 1367 هـ. ش.
3. اولناریوس، آدام، (1363)، *سفرنامه (بخش ایران)*، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکارنو.
4. آژند، یعقوب، (1385)، *نمایش در دوره صفوی*، تهران، انتشارات ارشاد اسلامی.
5. ابن اثیر، عزالدین علی، (1354)، *تاریخ کامل ایران*، ترجمه حسن روحانی، ج 5، تهران، اساطیر.
6. بلو کباشی، علی، (1383)، *تعزیه‌خوانی حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی*، تهران، امیرکبیر.
7. بیضایی، بهرام، (1385)، *نمایش در ایران*، تهران، روشنفکران و مطالعات زنان.
8. تاورنیه، ژان باتیست، (1363)، *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری، تجدیدنظر حمیدشیرانی، تهران، سنایی.
9. پرغو، محمدعلی و غلامزاده صدیقه، (1394)، «*عزاداری محرم در عهد صفویه، یک بررسی*

- جامعه شناختی»، فصلنامه تاریخ اسلام، س 16، ش 3، مسلسل 63، صص 35 - 69.
10. چلکووسکی، پتر، (1367)، *تعزیه هنریومی*، پیشرو ایران، ترجمه داود حاتمی، تهران، علمی و فرهنگی.
 11. دلاواله، پیتر، (1380)، *سفرنامه*، ترجمه محمود بهفروزی: ج2، تهران، قطره.
 12. -----، (1370)، *سفرنامه*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی.
 13. رضائی، رمضان، *نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده امامی*، مقاله 3، دوره 47، شماره 2، پاییز و زمستان 1393، صفحه 216-197، دانشگاه تهران.
 14. سید محسن امین، *امام حسین β و حماسه کربلا*، ترجمه ناصر پاکپور، تهران: واحد تحقیقات اسلامی، 1366،
 15. شاردن، ژان، (1372)، *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
 16. علامه سید مرتضی عسکری، *معالم المدرستین*، بیروت: موسسه النعمان، 1410.
 17. علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، *التهوف فی قتلی الطفوف*، نجف مطبعة الحیدریه، 1369 هـ. ق،
 18. فقیهی، علی‌اصغر، (1378)، *تاریخ آل‌پویه*، تهران، سمت.
 19. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا، (1363)، *سفرنامه*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
 20. *قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1373 تهران.
 21. کاتف، فدت آفاناس یوچ، (1356)، *سفرنامه*، ترجمه محمدصادق همایون‌فرد، تهران، کتابخانه ملی ایران.
 22. کمپفر، انگلبرت، (1363)، *سفرنامه*، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران، خوارزمی.
 23. کارری، جوانی فرانچسکو جملی، (1348)، *سفرنامه*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، با همکاری فرانکلین.
 24. کبیر، مفیزالله، (1362)، *ماهگیران*، تاجدار، ترجمه مهدی افشار، تهران، زرین.
 25. گیدنز، آنتونی، (1376)، *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
 26. مجلسی، بحار الأنوار، تهران، *المکتبه الاسلامیه*، 1393 هـ.
 27. مدنی - فارسی، محمدرضا، *رستاخیز عاشورا*، سال انتشار: 1355 هـ. ش،
 28. مطهری، مرتضی، (1381)، *حماسه حسینی*، ج1، تهران، صدرا.
 29. مرتضی مطهری، 1341 «مشکل اساسی در سازمان روحانیت»، در بخشی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران.
 30. نجف زاده، مهدی، (1389)، «*صورت‌بندی مذهبی، سیاسی جامعه ایرانی در عصر صفویه*»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره 4، شماره 1، بهار 1389، صص 337 - 354.
 31. کرین، هانری، *آنین جوانمردی*، ترجمه احسان نراقی، نشر نو، 1363.
 32. نصرآبادی، محمدطاهر، (1317)، تذکره نصرآبادی، کوشش وحید دستگردی، تهران، بی نا.

33. Calmard, Jean, (1996), *Shiei Ritual and power, in: Safavid Persia: the history and politics of an Islamic society*, edited by Charles Melville I.B. Thuris & Co Ltd New York Publishers London Published in association.

